

سینما و تبلیغات مذهبی

سعید قاسم حسینی



مقدمه

معمولاً مرسوم نیست که در مجلات حوزوی و نشریات تخصصی تبلیغاتی مذهبی، مطلبی از سینما به مناسبت «روز سینما» منتشر شود؛ همچنانکه در مجلات و نشریات تخصصی «سینما» هم مرسوم نیست از حوزه علمیه یا به مناسبت «روز تبلیغات دینی» مطلبی به چاپ برسد. ما هم تصمیم نداریم پایه گذار چنین بدعتی باشیم، اما خواه ناخواه با نوشتن این مقاله و مواردی از این دست پا روی لبه تیغ گذاشته‌ایم و داریم سنتی «حسنه» یا «سیئه» را ترویج یا

بنیان‌گذاری می‌کنیم.

و از معصوم علیه السلام روایت شده است که: «مَنْ اسْتَنْزَلَ بِسُنَّةِ حَسَنَةٍ فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمَلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِ هِمَّ شَيْئٍ وَمَنْ اسْتَنْزَلَ بِسُنَّةِ سَيِّئَةٍ فَعَلَيْهِ وَزُجْرُهَا وَوَزْرُ مَنْ عَمَلَ بِهَا مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٍ»^۱

هر کس سنت و روش خوبی بنیان نهد، اجر آن و اجر تمام کسانی که به آن عمل می‌کنند را خواهد داشت، بدون اینکه از اجر عمل کنندگان چیزی کم شود و کسی که سنت و روش بدی

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۴، ح ۷۵.

انصاف با کدامین رأی و نظر است، معلوم نیست به این راحتی قابل وصول باشد؛ بلکه باید گفت: رسیدن به راه صواب، مستلزم خودداری از هرگونه پیش‌داوری و شناخت صحیح مقوله مورد بررسی است و هر چه «شناخت» عمیق‌تر و دقیق‌تر باشد، به همان میزان هم احتمال خطا و اشتباه کمتر خواهد بود.

ضرورت شناخت سینما

شاید به کاربردن کلمه «ضرورت» در عنوان فوق، آن‌هم ضرورت شناخت سینما برای مبلغان مذهبی، قدری اغراق‌آمیز به نظر برسد، ولی اگر از زاویه دیگری به مسئله نگاه کنیم، چنین تصویری نخواهیم داشت. واقعیت آن است که ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، در دوره و زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که فیلمهای سینمایی، تمامی یا بخش اعظم پیرامون ما را اشغال کرده‌اند؛ از اندرونی خانه‌ها گرفته تا مغازه‌ها، حراجیها و حتی دستفروشیهایی که کنار خیابان بساط پهن می‌کنند، همه جا مثل «نقل و نبات» فیلم و سی‌دی رد و

بنیان نهد، وزر و گناه آن و همچنین وزر و گناه تمامی کسانی که به آن عمل می‌کنند را خواهد داشت، بدون اینکه از گناهان عمل‌کنندگان به آن چیزی کاسته شود.»

بنابراین، قبل از هر چیز، لازم است ضرورت امر را اثبات کنیم و به این نکته و سؤال اساسی پردازیم که آیا واقعاً بین سینما و تبلیغات مذهبی تا این حد مباینت و جدایی است که در حیطه تخصصی هر یک، مطرح کردن دیگری، جای سؤال و تعجب داشته باشد یا اینکه این دو، وجوه مشترک و زمینه‌های تلفیقی هم دارند که کمتر به آنها پرداخته شده و در صورت توجه و استفاده صحیح از قابلیت‌های آنها، ممکن است منشأ تحولات و برکات تبلیغی فراوانی هم باشند و در نتیجه، شناختن و شناساندن این قابلیت‌ها هم در ردیف «سنتهای حسنه» قرار گیرد؟

طبیعتاً هر کسی ممکن است جواب خاص خودش را به این سؤال بدهد و ادله‌ای هم بر اثبات ادعایش داشته باشد که حتماً برای خود او محترم خواهد بود؛ اما اینکه حق و

بدل می شود؛ در را می بندی، از دیوار وارد می شوند؛ ویدئو و ویدئو سی دی را ممنوع می کنی، از تلویزیون سر در می آورند؛ تلویزیون را کنار می گذاری، از رایانه سر و کله شان پیدا می شود؛ رایانه را «رد» می کنی، از خانه همسایه و دوست و فامیل مقابلت ظاهر می شوند و شروع می کنند به چشمک زدن و جذب بچه ها و...

بنابراین، مقوله فیلم و سینما از مسائل و موضوعات فرهنگی است که با آن «مواجهیم»، نه مقوله ای که بخواهیم راجع به بود و نبود آن تصمیم بگیریم یا به راحتی بتوانیم صورت مسئله آن را پاک کنیم. پس چه بهتر که ما روحانیون و مبلغین مذهبی، با شناخت صحیح و اتخاذ یک استراتژی سنجیده و مشخص در قبال این پدیده فرهنگی، خود و جامعه ای را که در آن زندگی می کنیم، از آسیبهای احتمالی این مقوله مصونیت بخشیده، از قابلیت های آن استفاده بهینه کنیم و در یک کلام: «چشممان را به روی واقعیتها نبندیم و غافل نباشیم.»

دلا غافل مچر در چشمه ساران

هر آن غافل چره، غافل خوره تیر^۱
استراتژی سنجیده ای که در قبال
این پدیده فرهنگی می توانیم اتخاذ
کنیم، عبارت است از:

الف. دوری از افراط و تفریط

شاید تاکنون بارها با افرادی (اعم
از روحانی و غیر روحانی) برخورد
کرده باشید که به مصداق ضرب المثل
قدیمی «مرغ همسایه غاز است.»
آن چنان با جذب و شور از تبلیغات
مذهبی مسیحیت، بودیسم و سایر
ادیان و مذاهب از طریق فیلم و سینما
صحبت می کنند و متقابلاً به تخطئه
روشهای سنتی خطابه و منبر و
روشهای تبلیغ چهره به چهره
می پردازند که گویی ما عقب مانده های
بیش نیستیم.^۲ ولی تجربه نشان داده

۱. بابا طاهر.

۲. القاء حس عقب ماندگی، یکی از شیوه های دشمن در تضعیف روحیه مسلمین بوده و هست و لذا خداوند تبارک و تعالی در قرآن مجید، در جهت خستاسازی این شگرد تبلیغاتی می فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ «و سست نشوید و غمگین نگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید.» (آل عمران/ ۱۳۹).

است که تبلیغات سنتی و چهره به چهره بهترین و مناسب‌ترین راه تبلیغ دین بوده و هست.

اما استفاده از تکنولوژی نو ظهور در حد امکان نیز لازم و ضروری است، البته باید از افراط و تفریط پرهیز کرد.

«افراط و تفریط» نتیجه قطعی و مسلم «جهل و نادانی» نسبت به اشیاء و مسائل است و این نکته‌ای است که ما از ائمه معصومین علیهم‌السلام فرا گرفته‌ایم.

علی علیه‌السلام فرمودند: «لَا يَزِي الْجَاهِلُ إِلَّا مَسْفِرًا أَوْ مُفْرَطًا»^۱ جاهل جز به صورت افراط کننده و یا تفریط کننده دیده نمی‌شود.»

ب. جلوگیری از هدر رفت سرمایه‌ها

«شناخت» باعث جلوگیری از به هدر رفتن سرمایه‌های مادی و معنوی می‌شود. کمترین سرمایه‌ای که با عدم شناخت، ممکن است از انسان تلف شود، مواردی است مربوط به خانواده، فامیل، دوستان و آشنایان و کسانی که به‌طور روزمره با آنها برخورد داریم؛ اما گاهی در مقیاس وسیع هم میدانی برای ما باز می‌شود و دسته‌گلهایی به آب می‌دهیم که «جمع کردنش» کار

آسانی نیست.

کسی چه می‌داند، شاید روزی من و شما هم در مسند و جایگاهی قرار گرفتیم که بودجه و امکاناتی برای تولید فیلم، آموزش فیلمسازی و...، امکانی برای نقد و ارزیابی و قضاوت و داوری در مورد فیلم و فیلمنامه داشته باشیم و یا مقاله و نوشتاری که

﴿قُلْنَا تَهْتَبُوا وَتَذْفَعُوا لِيَ السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَخْلَاقُونَ وَاللَّهُ مَنَّكُمْ﴾؛ پس هرگز سست نشوید و [دشمنان را]

به صلح [ذلت‌بار] دعوت نکنید، در حالی که شما برترید و خداوند با شماست. (محمد / ۳۵) بیان زیبایی هم از مقام معظم رهبری، حضرت آیه الله خامنه‌ای (مدظله العالی)، در این باره آمده است:

«امروز یکی از شکردهای مهم دشمن، تخریق و القاء حسن عقب‌ماندگی و ناتوانی است. ما در کشور ۳۵ میلیون جوان داریم. نخیر، بدانند ما به هیچ‌وجه عقب نمانده‌ایم... مجموعه آنچه دستاوردهای ما در ده، بیست سال اخیر بوده است، از همه آنچه در کشورهای شبیه خودمان، از جمله همه کشورهای منطقه، اتفاق افتاده، بالاتر است. این مسئله خیلی مهمی است... ما به هیچ‌وجه نباید این احساس را داشته باشیم و جوان ما نباید احساس کند که عقب مانده است؛ باید احساس کند دارد حرکت می‌کند، می‌تازد و جلو می‌رود. عملاً به این کار، به این پیشرفت، به این تازش و به این رو به جلو حرکت کردن، تشویق شود.» (سخنرانی مقام معظم رهبری در جمع مدیران صدا و سیما، مورخه ۱۳۸۳/۹/۱۱).

۱. غرر الحکم، ج ۶، ص ۳۸۹؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۵۹، ح ۳۴.

می خواهد در جایی به چاپ برسد و... به عهده ما گذاشته شود، آیا اگر شناخت صحیح و دقیق از مقوله مورد نظر، یعنی فیلم و سینما نداشته باشیم، خواهیم توانست «صحیح» را از «سقیم» تشخیص دهیم و از به هدر رفتن سرمایه های مادی و معنوی در این زمینه جلوگیری کنیم؟

علی الخصوص که این روزها (و شاید بتوان گفت که در طول تاریخ هم چنین بوده) جامعه، پر شده است از ظاهر فریبان، منفعت طلبان و نان به نرخ روز خورهایی که با شامه قوی شان همه جا را «رصد» می کنند و به محض اینکه متوجه می شوند یا شستشان خبردار می شود که کسی در جایی و در مسندی قرار گرفته که شناخت کافی از کاری که باید انجام دهد، ندارد و به اصطلاح «پشمنی به کلاهش نیست»، با «کلمات قلمبه و سَلْمبه» و قیافه های اطو کشیده شان از راه می رسند و آن قدر آسمان و ریسمان را به هم می بافند و «نوکر بند کیف» من و شما می شوند تا اینکه بالاخره در سایه جهل مرکب ما، بار خودشان می بندند و وزر

و وبال آخرتی به هدر دادن سرمایه های مادی و معنوی مردم و بیت المال را نیز برای ما به یادگار می گذارند.

فیلم مارمولک، از این حیث که تیر و ترکش آن دامن خیلی از طلاب و روحانیون را گرفت و آنها را به دو جناح مخالف و موافق فیلم تقسیم کرد و خلاصه، با فراز و نشیبهایی که داشت، خیلیها را «سرکار» گذاشت، مثال خوبی بر صدق این مدعاست. این فیلم با مشارکت ۸۰ میلیون تومانی یکی از ارگانهای رسمی مستولی «تبلیغات اسلامی» ساخته شد و حتی زمانی که تحت تأثیر القانات غیر مستقیم آن، معممین در کوچه و بازار و پیش چشم زن و بچه شان مورد توهین و تحقیر قرار می گرفتند، باز هم بعضی که گول همان کلمات «قلمبه و سَلْمبه» را خورده بودند، نمی فهمیدند یا نمی خواستند بفهمند که چه کلاه گشادی سرشان رفته است! و...

آیا اگر بعضی از متصدیان مذهبی آشنایی کافی و شناخت صحیحی از مقوله فیلم و سینما داشتند، باز هم

است که آخرتش را به دنیایش بفروشد و از آن بدتر کسی است که آخرتش را به دنیای دیگری بفروشد.»

ج. مشارکت فعال

شاید به ذهن عافیت طلب برخی این طور خطور کند که چون مقوله فیلم و سینما پیچیدگیهای خاص خودش را دارد و ما هم آگاهی و شناخت کافی از آن نداریم، بهتر است «سری که درد نمی‌کند، دستمال نبندیم» و «عطای این‌گونه امور را به لقایش ببخشیم» و از اساس، کاری به کار این مسائل نداشته باشیم یا ورود به این موارد خطر ساز و خطر آفرین را به دیگری واگذار کنیم که آنها هم برای خود دیگری دارند و....

اگر چه این طرز تفکر، بهتر از تفکری است که شخص، دچار جهل مرکب شده و حتی نمی‌داند که نمی‌داند؛ ولی محصول و نتیجه‌ای هم که به بار می‌آورد، چندان خرسند کننده نیست؛ چون با این نگرش، عرصه خالی می‌شود برای جولان افراد و آن

مقوله فیلم و سینما از مسائل و موضوعات فرهنگی است که با آن «مواجهیم»، نه مقوله‌ای که بخواهیم راجع به بود و نبود آن تصمیم بگیریم یا به راحتی بتوانیم صورت مسئله آن را پاک کنیم

چنین قضایایی به این راحتی در مملکت جمهوری اسلامی اتفاق می‌افتاد؟

و آیا وزر و وبالی که برای حامیان و مجوز دهندگان به این فیلم (و مواردی از این دست) باقی مانده، وزر و وبال کمی است؟ بدتر از آن اینکه آنها صرفاً واسطه آباد شدن دنیای دیگران شده باشند.

رسول خدا ﷺ می‌فرمایند: «سُرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاہُ وَ سُرُّ مِنْ ذَلِكَ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِہُ؛^۱ بدترین مردم کسی

۱. بحار الانوار، ج ۱۷، ص ۴۶؛ مکارم الاخلاق، ج ۲، ص ۳۱۹.

تبلیغ مذهب پرداخت یا نه و اگر می‌شود، چگونه؟ سؤالی اساسی است که جواب آن در حوصله این مقال نمی‌گنجد، ولی در اینجا فقط می‌خواهیم به این نکته اشاره کنیم که هرگونه استفاده از قابلیت‌های اثباتی فیلم و سینما هم منوط به شناخت صحیح آن است.

۵. سایر موارد

موارد دیگری هم از قبیل «توانایی رهبری جامعه مخاطبان، قدرت تشخیص وظیفه و...» به ذهن می‌رسد که ترجیح می‌دهیم آنها را ذکر نکرده، از شما خوانندگان گرامی درخواست کنیم اگر مواردی در این راستا به نظرتان می‌رسد، برای ما ارسال بفرمایید تا ارتباط ما و شما طرفینی باشد و ما هم بتوانیم از نظرات شما استفاده کنیم و برگزیده‌ای از نظرات ارزشمند شما را هم به نام خودتان در شماره‌های بعدی مجله مبلغان به چاپ برسد.

حرفی از آن هزاران

یکی از اشتباهات تاریخی حوزه و خوزویان در قبال فیلم و سینما،

دسته از جریانهای فکری که نه تنها لزوماً دینی نیستند، بلکه چه بسا «آگاهانه یا ناآگاهانه با القاء مستقیم یا به روشهای غیر مستقیم» در صدد تخریب مبانی اعتقادی جامعه هم برآمده‌اند.

نقطه مقابل این طرز تفکر هم نگرشی مبتنی بر «شناخت» است که چون مقوله را به خوبی می‌شناسد، جرئت و جسارت حضور همیشگی در عرصه پیکار فرهنگی را نیز دارد. در این نگرش، شناخت توأم با درایت و اقتدار حرف اول را می‌زند و شخص، حتی اگر میدان عمل برایش باز نباشد، به پستوی خسانه نمی‌خزد، بلکه «عقب‌نشینی تاکتیکی» می‌کند و منتظر زمان مناسبی می‌شود تا با قدرت و تأثیرگذاری بیشتر وارد عمل شده، اهداف دینی خود را بهتر پیاده کند. به نظر شما نوع برخورد حوزه علمیه و خوزویان با مقوله هنر، برخوردی فعال و مبتنی بر شناخت بوده یا موضعی انفعالی؟

د. استفاده از قابلیت‌های اثباتی

اینکه می‌شود با فیلم و سینما به

**بدترین مردم کسی است
که آخرتش را به دنیایش
بفروشد و از آن بدتر کسی
است که آخرتش را به
دنیای دیگری بفروشد**

کوتاه یا بلندی را که هم جهات تبلیغات اسلامی و دینی در آن لحاظ شده و هم به لحاظ فنی و هم محتوایی در حد قابل قبولی است، بردارید و در به در این مؤسسه و آن مرکز و آن سازمان و آن شرکت فیلمسازی و آن انجمن و... شوید، ببینید چند نفر مثل ما طلبه‌ها پیدا می‌کنید که عملاً دغدغه تبلیغات دینی دارند و حاضرند از ساخت این فیلمنامه حمایت کنند!

به نظر شما وقت آن نرسیده است که خود حوزه علمیه چتر حمایتی بر تولید آثار تبلیغاتی - مذهبی ایجاد کند؟

توجه نکردن به سیستمی بودن مقوله فیلم و سینماست؛ به این معنا که سرمایه‌گذاری زیادی در قم روی آموزش طلاب در زمینه فیلمنامه‌نویسی، تهیه‌کنندگی، نقد فیلم و... انجام شده، ولی خروجی مناسبی برای طیف وسیع آموزش‌دیدگان (که بتوانند از آنها در جهت اهداف تبلیغ مذهبی استفاده کنند) در نظر گرفته نشده است.

لاجرم طلاب و روحانیونی که آموزش دیده‌اند، یا باید زیر مجموعه شوند و اگر راهشان بدهند، هم‌رنگ جماعت شوند و بپذیرند که باید در خدمت سیستمهای مدیریتی موجود درآیند (اشکال این کار هم این است که مراکز و سیستمهای مدیریتی موجود شرح وظائف دیگری برای خودشان تعریف کرده‌اند و دغدغه‌هایشان با طلابی که می‌خواهند از طریق فیلم و سینما به تبلیغ مذهبی و تجربه در این زمینه پردازند، یکی نیست و...) و یا بعد از مدتها این در و آن در زدن، سرخورده شده، به جای اول برگردند!

اگر قبول ندارید، یک فیلمنامه